



خیزد از حال تو، استقبال تو

اشاره

در دورانی که بسیاری از واژه‌ها معنای حقیقی خود را از دست داده‌اند، گسترش ابتدال و فساد، ترویج فرهنگ و خدمت به جامعه بشری نام می‌گیرد و دفاع از هویت ملی و ارزش‌های والای انسانی؛ واپسگرایی، سکون و عقب ماندگی تلقی می‌شود و باندهای آشکار و نهان مافیایی از هر وسیله‌ای برای استحاله فرهنگی و مسخ ارزش‌های معنوی بهره می‌جویند.

امروزه صاحبان فن آوری، با ابداع فرهنگ‌های مهاجم، در صدد مقابله با هویت دینی انسان‌ها برآمده‌اند و هرگونه ارتباط قدسی را انکار می‌کنند؛ در حالی که بشر، به برکت ارتباط‌های معنوی، هزاران سال زندگی خویش را جلوه‌ای الهی بخشیده است. در این میان، انقلاب اسلامی ایران با احیای فرهنگ، تفکر و هویت دینی، شخصیت مردم به ویژه نسل جدید و حضور فعال آنان را در صحنه‌های گوناگون اجتماعی تثبیت و تضمین کرد. این دستاورد بزرگ، هرگز مورد خواست دشمنان نبوده و آنان را در ضربه زدن مصمم‌تر کرده است. امام (ره) در این باره می‌فرماید:

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند؟ و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند... ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه‌دار نمایند.»^۱



**بنیان‌گذار جمهوری
اسلامی ایران، به خوبی
دریافته بودند که مشکل بزرگ
مسلمانان از خود بیگانگی و
خودباختگی است؛ به همین دلیل،
راه مقابله با این شگرد دشمن را
دستیابی به هویت اصیل
می‌دانستند.**

آن فرهنگی است که برای فاسد کردن انسان برنامه‌ریزی کرده، فرهنگی است که ارزش‌های انسانی در آن مورد دشمنی و بغض است، انسان‌ها را به موجودات مطیع و تسلیم تبدیل می‌کند، انسان‌ها را از یاد خدا و معنویت غافل می‌کند...^۶

القای ناکارآمدی دین: یکی از مؤثرترین راه‌ها برای محو هویت دینی القای این نکته است که دین توانایی حل مشکلات بشر را در دوران کنونی ندارد. در این صورت، مردم جامعه ریشه‌های عقب ماندگی خویش را نه در دسیسه‌های دشمنان، بلکه در باورهای به اصطلاح کهنه و واپسگرایانه خود می‌پندارند و دین و اخلاق باوری را غیر علمی، پوچ و کهنه به حساب می‌آورند. در چنین فضایی، اصول انسانی و اخلاقی رنگ می‌بازد و پای‌بندی به باورهای مذهبی، نشانی از انحطاط و جمود فکری جلوه می‌کند. همچنین، حقایق بلند و مقدسی چون وفاداری، غیرت، شجاعت، دوستی، عشق، جوانمردی، پاکدامنی و ... مفهوم خود را از دست می‌دهد و ساده‌زیستی، عفاف، نوع دوستی، دستگیری از افتادگان، ایستادگی در برابر ستمگران و ... ناپسند و مذموم به شمار می‌آید.

آگاه بودند و می‌فرمودند: «پسند غرب، این است که ما همه چیزمان را تقدیمشان بکنیم بی چون و چرا».^۲

از دیدگاه امام دو نکته در باب فرهنگ قابل توجه است: ۱. فرهنگ، اساس هویت جامعه به شمار می‌آید: «اساساً فرهنگ هر جامعه هویت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار ابعاد دیگر آن جامعه به جانب مخالف، گرایش پیدا می‌کند».^۳

۲. غرب می‌کوشد تا کشورهای دیگر را به هر شیوه ممکن، از فرهنگ غنی خویش دور کرده، به سوی ابتذال و بی‌هدفی بکشاند: «باید در فرهنگ، توجه به آن داشته باشید و کوشش شود که خودتان را پیدا کنید. ما کم کرده‌ایم خودمان را».^۴

از دیدگاه امام؛ دشمنان، دین و هویت دینی جوانان مسلمان را هدف قرار داده‌اند و وظیفه مسلمانان در این میان، تثبیت اسلام و فرهنگ اسلامی و بازگشت به خویش است: «مسلمانان باید خودشان را پیدا کنند؛ یعنی بفهمند که خودشان یک فرهنگی دارند، خودشان یک کشوری دارند، خودشان شخصیتی دارند».^۵

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) درباره فرهنگ غرب می‌فرمایند: «فرهنگ غرب،

در اصطلاح جامعه‌شناختی، کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویش را هویت می‌نامند. به عبارت دیگر، هویت از یک دیدگاه نگرش به خود است؛ خودی که به صورت «من» معین می‌شود و به طور معمول، احساسات و ادراکات فرد درباره ارزش‌ها، آرمان‌ها و علایق او را در بر می‌گیرد. و از دیدگاه دیگر، نگرشی به بیرون یعنی رابطه بین خود و دیگران است.

هویت دینی در سایه برقراری ارتباط با آفریدگار جهان و قبول حاکمیت او پدید می‌آید و پس از تثبیت این هویت در وجود انسان است که همه رفتارهای فردی و اجتماعی وی براساس اهداف دین شکل می‌گیرد. هویت دینی به آدمی نشان می‌دهد که او در جهان‌بینی الهی جایگاهی ارزشمند دارد و زندگی‌اش هدفمند است؛ از این رو همواره گفتار و رفتار خویش را با جهان‌بینی الهی سازگار می‌کند؛ اما در جهان‌بینی غیر دینی که در آن فرد و جامعه با هویت دینی بیگانه‌اند، انسان بدون توجه به مقام و موقعیت خود در جهان هستی به دنبال تأمین خواسته‌های نفسانی خویش است. هویت دینی با آفرینش انسان آمیخته است و هرگونه مبارزه برای نابودی این هویت، مبارزه با انسانیت انسان است.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، به خوبی دریافته بودند که مشکل بزرگ مسلمانان، از خود بیگانگی و خودباختگی است؛ به همین دلیل، راه مقابله با این شگرد دشمن را دستیابی به هویت اصیل می‌دانستند. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل (ره) این باور را در میان ملت‌های مسلمان به وجود آورد که می‌توان با تکیه بر فرهنگ اصیل اسلامی و هویت دینی به مجد و عظمت واقعی دست یافت. ایشان به خوبی از تلاش غرب در بی‌هویتی کردن ملت‌ها

**از دیدگاه امام،
دشمنان، دین و هویت
دینی جوانان مسلمان را هدف
قرار داده‌اند و وظیفه مسلمانان
در این میان، تثبیت اسلام و
فرهنگ اسلامی و بازگشت
به خویش است.**





توسعه فساد: غربی‌ها به خوبی آموخته‌اند که ترویج فساد و فحشا از مهم‌ترین حربه‌ها در تضعیف هویت دینی محسوب می‌شود؛ به همین سبب، اساس تبلیغات خود را بر ایجاد و گسترش فساد در بین کشورهای جهان سوم استوار کرده‌اند. و در این راه همه ابزارهای تبلیغی از جمله رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، سینما و ماهواره را به خدمت گرفته‌اند. امروزه تلویزیون به صورت یکی از بزرگ‌ترین دستگاه‌های تبلیغاتی بیش‌ترین تأثیر را در شکل‌گیری و انتقال سیستم فرهنگی نظام‌های حاکم بر جهان داشته است. رادیو و تلویزیون به دلیل ویژگی‌های خود، بسیار آسان‌تر و ژرف‌تر از سایر رسانه‌ها با مردم ارتباط برقرار می‌کند و اثری عمیق‌تر و سریع‌تر بر اندیشه‌ها و رفتار و کردار افراد جامعه می‌گذارد. استکبار از دیر زمان نقش این پدیده را دریافته و کنترل آن را به دست گرفته است.

برخلاف سنین کودکی که تقلید و همانندسازی نقش بسزایی در پذیرش و یادگیری دارد، جوان همواره اهل تعقل و اندیشه است. به دیگر سخن او مقلد محض نیست بلکه خود می‌اندیشد، بررسی می‌کند و تا نداند آرام نمی‌گیرد. در این دوران، جوان در جست و جوی خویشتن است. اگر در این مسیر درست هدایت شود، خدا را نیز می‌یابد و چنان‌چه هدایت صحیحی صورت نگیرد، به خود فراموشی دچار خواهد شد که نتیجه آن فراموشی خداوند خواهد بود. پی بردن به این که از دیدگاه دین چه چیزهایی باعث سعادت انسان می‌گردد، با توجه به ملاک‌های مستدل و در خور فهم همگانی به ویژه نسل جوان می‌تواند راهگشای خوبی برای تقویت هویت دینی باشد. توجه به هویت دینی، آگاهی و شناخت می‌آورد و خود اسلامی و واقعی را در وجود انسان کشف می‌کند.

اگر جوان هویت دینی خود را بشناسد، درمی‌یابد که فراتر از همه حیوانات است و نفخه‌ای از روح الهی در او وجود دارد که «من» واقعی‌اش را می‌سازد و از من

اگر جوان هویت دینی خود را بشناسد، درمی‌یابد که فراتر از همه حیوانات است و نفخه‌ای از روح الهی در او وجود دارد که «من» واقعی‌اش را می‌سازد و از من

اگر جوان هویت دینی خود را بشناسد، درمی‌یابد که فراتر از همه حیوانات است و نفخه‌ای از روح الهی در او وجود دارد که «من» واقعی‌اش را می‌سازد و از من حیوانی جدایش می‌کند.

حیوانی جدایش می‌کند. شهید مطهری (ره) می‌نویسد: «قوی‌ترین حربه دفاعی این انقلاب و مؤثرترین سلاح پیشرفت آن، ایمان ملت به نیروی خویش و بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلام است. غرب که منظور همه ابر قدرت‌هاست، از یک چیز وحشت دارد و آن بیداری خلق مسلمان است. اگر شرق، بیدار شود و خود اسلامی را کشف کند، در آن صورت حتی بمب اتمی هم از پس این نیروی عظیم، این توده به پا خاسته بر نخواهد آمد. راه بیداری، آشنایی با تاریخ و ایدئولوژی خودمان است»^۷.
در پایان باید گفت: جوان برخوردار از هویت دینی برای دستیابی به سعادت و کامیابی، باید با تعقل و تفکر به تاریخ پر افتخار خود بنگرد، ارزش‌های دینی گذشتگان را دریابد و فرهنگ و میراث باقی مانده از آن را اصل قرار دهد.

سرزند از ماضی تو حال تو
خیزد از حال تو، استقبال تو
مشکن از خواهی حیات لازوال
رشته ماضی ز استقبال و حال^۸

اقبال لاهوری

پی‌نوشت‌ها

۱. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، ج ۲۰، ص ۲۳۷، با اندکی تلخیص.
۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۹۳.
۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۶۰.
۴. دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، ص ۴۲.
۵. صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۲۰.
۶. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۲۱۱-۲۱۳.
۷. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۲۱۱-۲۱۳.
۸. دیوان اقبال لاهوری.

منبع

۱. حمید نگارش، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تابستان ۱۳۸۰، چاپ اول.
۲. تهاجم فرهنگی، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، معاونت انتشارات مرکز فرهنگی سپاه، ۱۳۷۵، چاپ اول.
۳. هویت، مسعود خرم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حیان، شهریور ۷۶، چاپ دوم